

اخبار

تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «فرنگیس»



تقریظ رهبر معظم انقلاب اسلامی بر کتاب «فرنگیس» امروز – یکشنبه – در مراسم هفتمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با موضوع بررسی نقش بانوان در دوران دفاع مقدس منتشر شد.

به گزارش ایرنا از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خاتمه ای، متن یادداشت رهبر معظم انقلاب بر این کتاب – که روایتی است از مقاومت شجاعانه خانم فرنگیس حیدریبور، بانوی روستایی مرزنشین کرد کرمانشاهی در مقابل حملات رژیم متجاوز بعثی- به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحیم

بخش ناگفته و باهمیتی از حوادث دوران دفاع را به مناسبت شرح حال این بانوی شجاع و فداکار، در این کتاب میتوان دید. بانو فرنگیس دلاور با همان روحیه استوار و بر قدرت و با زبان صادی و صمیمی یک روستایی و با عواطف و احساسات رفیق و لطیف یکن زن، با ما سخن گفته و منطقه ناشناخته و مهمی از جغرافیای جنگ تحمیلی را با جزئیاتش به ما نشان داده است. ما از روستاهای مرزی در دوران جنگ و مصائب فراوان آنان و آوارگی‌ها و گرسنگی‌ها و خسارت‌های مادی و ویرانی‌ها و داغ عزیزان آنها، هرگز به این وضوح و تفصیلی که در این روایت صادقانه آمده است، خبر نداشتیم؛ و نیز از فداکاری جوانان آنان که در شمار اولین شهیدانگان به مقابله با دشمن مهاجم بودند. ماجرای قتل و اسارت دشمن به دست این بانوی دلاور هم که خود یک داستان مستقل و استثنائی است که نظیر آن فقط در سوسنگرد، در همان اوان، اتفاق افتاده بود. بانو فرنگیس را باید بزرگ داشت و از نویسنده کتاب –خانم فتاحی– به‌خاطر قلم روان و شیوا و هنر مصاحبه‌گیری و خاطر‌نویسی، باید بسیار تشکر کرد.

۲۷/۱۱/۹۶

به گزارش ایرنا، مراسم هفتمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با موضوع بررسی نقش بانوان در دوران دفاع مقدس صبح امروز در مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد.

کتاب «فرنگیس» شامل خاطرات فرنگیس حیدریبور متولد سال ۱۳۴۱ در روستای اوازین است. او در حمله نظامیان عراقی به روستای محل سکونتش با یک تیر از خود در برابر سربازان ارتش بعث عراق دفاع کرد.

در سال ۱۳۵۹ پس از حمله عراق به روستای اوازین، مردم به دره های اطراف فرار می کنند. فرنگیس که در آن زمان ۱۸ سال داشت شب هنگام همراه برادر و پدرش جهت تهیه غذا به روستا باز می گردند. اما در طول راه پدر و برادر فرنگیس ضمن درگیری با عوامل عراقی شهید می شوند و فرنگیس در پی برخورد با دو سرباز عراقی بدون داشتن سلاح گرم، با تیر پدرش با سربازان درگیر شده، یکی را کشته و دیگری را با تمام تجهیزات جنگی اسیر می کند و به مقر فرماندهی ارتش ایران تحویل می دهد.

همچنین رهبر معظم انقلاب در سفرشان به کرمانشاه به این بانوی بزرگ اشاره کرده بودند و بر ثبت خاطراتش تاکید داشتند.

فیلم های بمب و کامیون پروانه نمایش گرفتند



صدور مجوز نمایش برای ۲فیلم

شورای پروانه نمایش فیلم های سینماییی در جلسه اخیر خود برای ۲ فیلم مجوز نمایش صادر کرد.

به گزارش روز یکشنبه گروه فرهنگی ایرنا از سازمان سینمایی، شورای پروانه نمایش فیلم های سینمایی در جلسه اخیر که با حضور اکثریت اعضا برگزار شد.مجوز نمایش فیلم «کامیون» به تهیه کنندگی و کارگردانی کامبوزیا برتوی در ژانر اجتماعیرا صادر کرد.

در خلاصه داستان فیلم «کامیون» آمده است:یک راننده کامیون ایرانی، خانواده‌ای از اهالی کردستان عراق را برای یافتن پدر خانواده به تهران می آورد. در این فیلم سعید آقاخانی، نیکی کریمی، تروسکا جولا، نسرین مرادی، رامین راستاد، یعقوب پریا، شایسته ایرانی ایفای نقش می کنند.

همچنین در این جلسه مجوز «بمب داستان عاشقانه» به تهیه کنندگی مشترک احسان رسول اف و پیمان معادی و کارگردانی پیمان معادی در ژانر اجتماعی صادر شد.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: در میانه سال‌های جنگ و در اوج بیماریان های تهران، روزگار با بیم و ترس می‌گذرد. اما عشق و دلدادگی و زندگی و امید، مراسم ملموس مرگ را به فراموشی می‌سپارد؛ رفتگان در کلمات زندگان تکرار می‌شوند. مرگ، سؤال مطلق است و عشق، ابهام مکرر.

«بمب: یک عاشقانه» با کورسوی امیدبخش زندگی کار دارد نه با سیاهی مطلق مرگ.

معادی در این فیلم به زندگی یک خانواده در دهه ۶۰ و زمان جنگ می‌پردازد. بعد از فیلم «رف روی کاغ» این دومین فیلم معادی است که کارگردانی می کند.

در این فیلم هنرمندانی چون پیمان معادی، لیلیا حاتمی، حبیب رضایی، سیامک انصاری، سیامک صفری، بهادر مالکی، رامین پورایمان، معصومه قاسمی‌پور، صبا گرگین پور، باران معادی، شهروز آقایی پورورشیا عبداللهی، نینوشا جهانی، محمود کلاری، سیامک ادیب، محمد زمانی، احسان عباسی، فرزاد رضانی و فاطمه مرتاضی ایفای نقش می کنند.

۴ مدیر در وزارت ارشاد تغییر می‌کنند

در پی ابلاغ قانون منع به کارگیری بازنشستگان در دستگاه‌های اجرایی، این قانون در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حال حاضر ۴ تن از مدیران این وزارتخانه مشمول این قانون می‌شوند که پیش از موعد مقرر، نسبت به جایگزین شدن افراد جدید اقدام خواهد شد.رییس جمهور قانون اصلاح قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان را شه‌ریور امسال به سازمان امور اداری و استخدامی کشور ابلاغ کرد.

این قانون در روز شنبه ۱۳ شهریور امسال به‌کارگیری می‌شود.

مهر داد خدیر– هشتم مهرماه در تقویم رسمی به عنوان روز بزرگداشت مولانا نام‌گذاری شده‌است. شما در فضای اینترنت این مطلب را می‌خوانید و یا یک جست و جوی ساده می‌توانید اطلاعات متنوعی دربارهٔ این شاعر بزرگ پارسی‌گوی کسب کنید و از این رو قصد تکرار انبوه مطالبی که دربارهٔ او منتشر شده را ندارم و تنها چند نکته را یادآور می‌شوم.

هر چند معرفی کوتاه او در ابتدا ضرورت دارد: جلال‌الدین محمد بلخی شه‌ره به مولوی و مولانا و رومی در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری قمری در شهر بلخ دیده به جهان گشود. نام کامل او «محمد ابن محمد ابن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی» بوده و در دوران حیات به القاب «جلال‌الدین»، «خداوندگار» و «مولانا خداوندگار» نامیده می‌شده است. در قرن‌های بعد القاب «مولوی»، «مولانا»، «مولوی رومی» و «ملای رومی» نیز برای او به کار رفته و از برخی از اشعارش تخلص او را «خاموش» و «خמוש» و «خامش» دانسته‌اند. مولانا ۶۸ سال زندگی کرد و در قونیه در ترکیه امروز مدفون است. مولانا با مثنوی معنوی و غزلیات شمس ماندگار شده و البته آثار دیگری هم از او بر جای مانده است. اما مولانا جلال‌الدین محمد رومی بلخی به چه کار امروز ما می‌آید و چرا در هشتم مهرماه از او یاد می‌کنیم؟

۱. مولانا زاده بلخ و مدفون در قونیه است و هیچ یک از این دو شهر اکنون در محدودهٔ جغرافیای کنونی ایران امروز نیستند. اما مولانا را به عنوان چهره‌ای ایرانی می‌شناسیم. زیرا هویت اصلی او شعرگویی به زبان پارسی است. این ویژگی اما می‌تواند مایهٔ همبستگی در یک جغرافیای فرهنگی و فراتر از جغرافیای سیاسی باشد. کدام عنصر، قوی‌تر از مولانا می‌توانیم یافت که میان ایران و افغانستان و ترکیه همبستگی ایجاد کند؟

۲. در میان شاعران برجسته زبان پارسی آثارهیچ یک حتی خیام مانند او قابلیت ترجمه به زبان های غربی را ندارد و نزد مردمان مغرب زمین قابل فهم و شگفت انگیز نیست. درست است که خیام هم پس از برگردان فیتز جرالد به انگلیسی زبان‌ها شناسانده شد و هر چند «می» خیامی با «می» حافظ متفاوت است اما در ترجمه باز آن تصویر واقعی از خیام منعکس نشده است. حال آن‌که اندیشهٔ مولانا را تا اندازهٔ زیادی می‌توان به زبان های دیگر برگرداند.

۳. در سال های اخیر قابلیت موسیقایی اشعار مولانا یا منتسب به او شکوفا شده است. زمان زیادی از انتشار ترانه ای از «علیرضا عسلی» نگذشته (من دزد شب رو نیستم، من پهلوان عالم ام) که کیهان زیتز تدر: خود دزد شب رویی! و ظاهرآ نمی‌دانستند شعر از مولانا یا منسوب به اوست. حالا دیگر خوانندگان دیگر هم اشعار مولانا را می‌خوانند و مشهورتر از همه محسن چاوشی است.

۴. در روزگاری که بسیاری از ایدئولوژی‌ها رنگ باخته اند و بشر همچنان در جست و جوی معنویت است اندیشهٔ مولانا می‌تواند پیام آور معنویت باشد و به همین خاطر سازمان فرهنگی تربیتی ملل متحد یا یونسکو سال ۲۰۰۷ را به عنوان سال مولانا نام‌گذاری کرد. یامنان باشد که یونسکو بیش از هر مفهوم دیگری برای ساهل و تسامح و پیوند فرهنگی می‌گوشد و مولانا حاوی چنین ارزش‌هایی است.

۵. مولانا یکی از نهداهای عرفان ایرانی است و عرفان، ویژگی فرهنگ و ادبیات ما و متمایز کننده با دیگر مسلمانان. ایرانی، مسلمان شد اما عرب نشد و اگر فردوسی فرم و پوسته (زبان) را حفظ کرد مولانا مغز و محتوا (نگاه عرفانی) را در این قالب ریخت.

چه این گزاره را بپذیریم که او متأثر از «محنی الدین ابن عربی» بوده و چه مولانای روم را مرتبط با اندیشه های او بدانیم باز مولاناست که روح اندیشه ایرانی و خدای مهر را باز می‌تواند. مشهورترین سخن ابن عربی که متفکران اسلامی با قرات های دیگر را به چالش کشید این بود که پرسید: رحمت خداوند بی منتهاست یا نهایت دارد؟ پاسخ دادند: بی نهایت است. پس پاسخ داد: اگر اقیانوس رحمت خداوندی بی منتهاست پس غنصب و کفر در آن جایی ندارد! این نگاه هنرمندانه و عاشق خواندن خداوند در حالی است که واژه «عشق» در مذهب نیامده و به تعبیر حافظ «حرف عشق، در دفتر نباشد».

مولانا چه تحت تأثیر ابن عربی و جدا از او بیش از هر سخن پرداز و اندیشه ورز دیگری مفهوم «عشق» را روح داد و مراد از این عشق همان است که درسخن ابن عربی آمد تا برای اختصاصات فرهنگ ایرانی وارد نگاه اسلامی شود و آن عشق در که در کلام مولانا موج می‌زند از این نگاه ناشی می‌شود و در سخن حافظ به شکل دیگری به اوج می‌رسد.

۶. رقابت واقعی یا القایی شریعت با طریقت موجبات حساسیت

بمناسبت هشتم مهر؛ روز مولانا

بشنو از نی چون حکایت می کند / وز جدایی ها شکایت می کند



هابی نسبت به پاره ای اشعار مولانا شده اما شعر و سخن او چنان در روح ایرانیان نشسته که سوء تفاهم‌های بزرگ بر نمی‌خیزد و به بهانهٔ نقل و نقد اشعار او بسیار سخن‌ها می‌توان گفت و باب بحث های مختلف را می‌توان گشود و از این منظر مولانا و در این زمینه مثنوی معنوی یک فرصت بی‌نظیر است و چه بسیار بحث‌های تازه که تنها با یک بیت مثنوی درگرفته است.

۷. در این که شماری از فقها و روحانیون نظر مثبتی به مولانا ندارند و حتی ممکن است برخی تکفیر کنند تردیدی نیست ولی خوش بختانه بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران از علاقه‌مندان این عرصه بوده‌اند و در نامه به گورباجف به صراحت از او نام برده و با لفظ «بزرگوار» یاد کرده و وقتی دربارهٔ ابن عربی چنین گفته که حساسیت برانگیز تر بوده جای تکفیر رسمی و حکومتی برای مولانا باقی نمانده است.

۸. با این که مولانا را به عنوان شاعری ایرانی می‌شناسیم اما افغانستان و هم ترکیه او را متعلق به خود می‌دانند. اولی با استناد به زادگاه او بلخ و دومی چشم فروستن در آسیای صغیر و مدفون بودن در قونیه و پیشنهاد دهندهٔ سال ۲۰۰۷ هم گویا ترکیه بوده است.

بهره برداری گردشگری را هم ترکیه به عمل می‌آورد و در ایران تنها پداهای مناسبتری را شاهدیم. درست است که نگاه اقتصادی و توریستی به مولانا در ترکیه تصویر او را گاه خدشه دار می‌سازد و

رییس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری :

توسعه پایدار مبتنی بر یافته های میراث فرهنگی است



توسعه را درپایم و از آن برای زندگی بهتر و عبور از چالشها در این سرزمین بهره مندشویم.

به گزارش ایرنا، نخستین همایش ملی میراث فرهنگی توسعه پایدار، یهمن ۹۴ برگزار شد و دومین همایش در ۱۵ و ۱۶ مهرماه امسال با ۸ محور میراث فرهنگی توسعه پایدار، آمایش سرزمینی، راه و شهرسازی، مدیریت آب، هود گردشگری، نوآوری و فناوری در سالن همایش های موزه ملی برگزار خواهد شد. تاکنون ۱۳۳ مقاله علمی در محورهای تعیین شده به دبیرخانه همایش ارسال و در هشت کارگروه تخصصی مورد بررسی قرار گرفته است.

تصمیم خانواده پرویز کلانتری برای نمایش آثار این هنرمند

دست چه کسی بر نهضان نقش بسته، کلانتری را به عنوان نقاش بنظردهای کویری می‌شناختند؛ خودش هم دربارهٔ آن‌ها گفته بود: «من نقاش مناظر خاک‌آلود مملکت هستم.» آیدین آغداشلو –نقاش– درباره کلانتری گفته است: کلانتری یک نقاش قصه‌گو بود. او در نقاشی‌هایش از عناصر ساده زندگی روستایی و آدم‌های ساده استفاده می‌کرد و این موضوع از قلب زئوف او برمی‌آمد. او به نسلی از هنرمندان تعلق داشت که همه با هم همکاری، همدلی و همراهی داشتند. او در طول عمر پرپارش توانست هم به شیوه شخصی خودش دست پیدا کند و هم با نیرویی مافوق تصور، تعداد زیادی اثر خلق کند. این پرکاری و برابری نصیب هر نقاشی نمی‌شود.

پرویز کلانتری در کنار یکی از تابلهواش

او ادامه داده است: کلانتری یک نقاش و تصویرگر حرفه‌ای بود و در تمام عمرش به این عنوان شناخته می‌شد. البته او نویسنده قابلی هم بود و بسیار شترین موضوعات را به دور از پیچیدگی‌ها